

نگاهی برتر

انسان از ابتدای آفرینش موجودی کنجکاو بوده است. او همیشه خواسته است تا درباره دنیای ماورای خود اطلاعات بدست آورد، به همین خاطر تحقیقات زیادی کرده است. ما انسان ها هیچ وقت از اطلاعات موجود خود راضی نیستیم و همیشه دوست داریم درباره دنیای اطراف خود بیشتر بدانیم.

فرستادن فضاپیماها به ماه و به کار انداختن ماهواره ها و دستگاه ها به فضا، همه نشانگر پیشرفت زندگی بشر در قرن 21 می باشند.

یکی از اشخاصی که برای اولین بار به فضا رفت، مسیحی بود. او در مصاحبه ای گفت که وقتی از آن بالا به کره زمین نگاه می کرد، اندازه زمین آنقدر کوچک بود که او مثل اینکه می توانست زمین را بین دو انگشت خود جا دهد. در آن زمان، او به جلال و شکوه خداوند خالق پی برد. او گفت وقتی از ماه برگشت، دیگر نمی توانست به مشکلات خود و کره زمین مانند قبل نگاه کند، زیرا وقتی کره زمینی را که از روی ماه به اندازه کوچک بود با بزرگی خدا مقایسه می کند، دیگر هیچ نگرانی نخواهد داشت.

چرا ما به نگاهی بالاتر احتیاج داریم؟

نگاه بالاتر به ما کمک کند که به سفر زندگی خود، با دیدگاهی بهتر نگاه کنیم تا بتوانیم نتیجه گیری ها و تصمیم گیری های درستی در شرایط مختلف زندگی انجام دهیم و همچنین بتوانیم خود را برای آینده آماده کرده، برای سرنوشت نهایی خود امیدوار باشیم. وقتی هواپیما روی زمین است، اطراف زیاد قابل رویت نیست. اما وقتی که هواپیما وارد آسمان می شود و بالا می رود، زیبایی های اطراف به خوبی دیده می شوند. پس وقتی که ما از نظر روحی با نگاهی بالاتر به زندگی نگاه می کنیم، آگاهی بهتری از موقعیت خود به دست می آوریم.

برای به دست آوردن یک دید و نگاه برتر چگونه باید پرواز کرد؟

اولین قدم این است که مسیح در قلب ما ساکن شود و ما با او ارتباط داشته باشیم تا روح القدس در ما کار کند. وقتی روح القدس در ما کار کند، ما شروع به دیدن نادیدنی ها می کنیم. در اینگونه شرایط به طور طبیعی دیگران فکر می کنند که ما دیوانه شده ایم، زیرا کسانی که روح القدس را ندارند مانند هواپیمای روی زمین هستند و نمی توانند چیزهایی را که ما می بینیم را ببینند. به وسیله روح القدسی که در ما کار می کند، ما می توانیم نادیدنی ها را ببینیم. در این

چنین شرایطی معجزات صورت می گیرد، شخص ناامید و شکسته دل، شفا می یابد و دشمنان آمرزیده می شوند.

"بنابراین، امید خود را از دست نمی دهیم. اگرچه وجود ظاهری ما رفته رفته از بین می رود، وجود باطنی ما روز به روز تازه تر می گردد. و این رنج و زحمت ناچیز و زودگذر، جلال عظیم و بی پایانی را که غیر قابل مقایسه است برای ما فراهم می کند و در ضمن، ما به چیزهای نادیدنی چشم دوخته ایم نه به چیزهای دیدنی، زیرا آنچه به چشم می آید موقتی است، ولی چیزهای نادیدنی تا ابد پایدارند."
دوم قرن تیان 4: 16-18

وقتی بر خودمان وابسته می شویم، نمی توانیم با دیدگاه بالا به زندگی نگاه کنیم. سموئیل در سفر خود برای انتخاب پادشاه اسرائیل، اول از هر چیزی به جذابیت و استانداردهای ظاهری اهمیت می داد. در حالی که 7 پسر پسی دارای این خصوصیات ظاهری بودند، اما هیچ کدام از آن ها مورد قبول خدا قرار نگرفتند.
خدا به انرژی محرک درون ما نگاه کرده و اهمیت می دهد. اگر ما روح القدس را داشته باشیم، او به ما کمک می کند تا انرژی درون دیگران را ببینیم.

در داستان داود و جولیات، بیشتر مردم داود را با دیدگاه دنیوی نگاه کردند. اما داود به مسائل، با دیدگاه بالایی نگاه کرد. جولیات با خود فکر کرد که "کشتن این پسر جوان بسیار آسان است." اما داود فکر کرد که "به حساب نیاوردن این شخص قوی هیکل بسیار آسان است."

داود اعتقاد داشت که جولیات خدای اسرائیل و لشکر فرشتگان را به ننگ آورده است. در این جا دیدگاه داود روحانی است و او می گوید که "قدرت خدا از طریق من، به مقابله تو (جولیات) خواهد آمد." او بر قدرت نادیدنی خدا تکیه کرد، نه بر اسلحه جنگی.

"تنها من هستم که از سرنوشتی که برای شما تعیین کرده ام، آگاهم. سرنوشتی که برای شما رفاه و سعادت می آورد نه مصیبت، نقشه ای برای آینده ای که در انتظار آن هستید. آنگاه شما به سوی من برمی گردید، حاجت خودتان را از من خواهید خواست و من حاجت شما را برآورده می کنم. شما مرا خواهید طلبید و مرا خواهید یافت، چون از صمیم قلب خواهان من بوده اید. آری، من می گویم شما مرا خواهید یافت و من شما را به سرزمین خودتان برمی گردانم. من شما را از تمام ممالک و از هر جایی که شما را پراکنده کرده ام، جمع می کنم و شما را به همان جایی که قبل از اسارت زندگی می کردید، برمی گردانم."

در این سفر پیر ماجرا، اعتماد کردن به خدا ضروری است.

وقتی با دیدگاه بالا نگاه می کنیم، روح القدس ما را به جاهای ناشناخته می برد. در هواپیما، ما اگرچه دور دست را نمی بینیم، اما اطمینان داریم که ما را به مقصدمان می برد. این به این معنی است که ما باید آماده تغییراتی باشیم که خدا می خواهد در زندگیمان ایجاد کند.

وکیلی در شهر لندن در انگلیس زندگی می کرد و حقوق زیادی از طریق شغل خود بدست می آورد. اما وقتی او خدا را شناخت، با دعوت الهی خوانده شد تا شغلش را کنار بگذارد و در کشورهای کمونیستی روسیه و ارمنستان، به عنوان مبشر خدمت کند. پس از مدتی او در آنجا مسکن گزیده، ازدواج کرد. او شاید هرگز تصور نمی کرد که آینده اش آنگونه شود، اما خدا او را در آن مسیر قرار داد.

"تو پناهگاه و پشتیبان من هستی، به وعده های تو امیدوارم."

مزامیر 119: 114

"از هر طرف تحت فشاریم، ولی خرد نمی شویم. گاهی دچار شک و تردید می شویم، اما تسلیم ناامیدی نمی گردیم. آزار می بینیم، اما هیچ وقت تنها نیستیم. زمین می خوریم ولی نابود نمی شویم."

دوم قرن نیا 4: 8-9

دیدگاه بالاتر و بحران:

ما در دنیایی زندگی می کنیم که به دلیل گناه، مرگ، سالخوردگی و خیلی مصیبت های طبیعی دیگر وارد این دنیا شده اند.

وقتی شاگردان مسیح در مورد کور مادرزاد از او پرسیدند که آیا گناهان خود او یا پدران وی شخص باعث نابینایی او شده، مسیح به سادگی جواب داد: نه گناهان این شخص و نه پدران وی دلیل نابینایی آن شخص هستند. در حقیقت، او هیچ گناهی ندارد. این به دلیل وضعیت گناه آلود جهان است که او نابینا به دنیا آمده است. یک روز، همه مسیحیان و غیر مسیحیان خواهند مرد.

اگر شما راننده هستید، می دانید که ماشین ها یک نقطه کور دارند. هرگاه بر روی صندلی مسافر بنشینیم، نمی توانیم آن چه را که راننده می بیند، ببینیم. مشکلات مانند نقطه کور هستند. آن ها قسمت خاصی از دید ما را مسدود می کنند در نتیجه نگرانی های ما زیاد می شوند و نسبت به وعده های خدا بی توجه شده، نمی توانیم به او اعتماد کنیم. اگر خدای عظیمی داریم پس مشکلات ما بسیار کوچک می باشند، اما اگر خدای ضعیف و کوچکی داریم در نتیجه مشکلاتمان بزرگ هستند.

در کتاب اعداد، قوم اسرائیل به جای 40 روز، به مدت 40 سال در سفر بودند. چرا چنین شد؟ این به آن دلیل نبود که مردم نمی خواستند مسیر را بدانند، بلکه به خاطر گناهان جدی بود که آن ها مرتکب شدند. آن ها از همان زمانی که از دروازه خارج شدند، شروع به شکایت کردند.

وقتی موسی رهبری قوم اسرائیل را بر عهده داشت، قوم از نان من شکایت کردند. آن ها نمی خواستند با دیدگاه بالایی به مسائل نگاه کنند و منتظر نماندند تا نقشه هایی را که خدا برایشان در نظر داشت، ببینند.

"بعد از چهل روز آنها از سفر برگشتند و پیش موسی، هارون و تمام قوم اسرائیل که در قادش، واقع در صحرای فاران اردو زده بودند، رفتند و چگونگی سفر خود را به اطلاع آنها رساندند و میوه هایی را که با خود آورده بودند، به آنها نشان دادند. آنها به موسی گفتند: «به سرزمینی که ما را فرستادید، رفتیم و آن را بررسی کردیم. آنجا یک سرزمین غنی و حاصلخیز است. اینها میوه های آنجاست که برای نمونه با خود آوردیم. اما ساکنان آنجا مردم نیرومندی هستند و در شهرهای بزرگ و مستحکم زندگی می کنند. همچنین فرزندان عناق غول پیکر را هم در آنجا دیدیم. مردم عمالیق در جنوب زندگی می کنند؛ حیثان، بیوسیان و اموریان در مناطق کوهستانی و کنعانیان در سواحل دریای مدیترانه و رود اردن زندگی می کنند.»

اعداد: 13: 25-29

موسی تصمیم گرفت 12 جاسوس را به قادش برنوع (سرزمین وعده) بفرستد. از بین 12 جاسوس، 10 نفر مسائل را به طرز متفاوتی از بقیه دیدند. از نتایج گزارشاتی که آن ها بعد از بازگشت به نزد موسی دادند، می توان فهمید که دید آن ها نسبت به مسائل چه قدر متفاوت از دید 2 نفر دیگر بود. اکثریت 10 نفر صحبت از ترس ها، افراد قول پیکر، نگرانی ها و ... می کردند، اما اقلیت 2 نفر با گزارش های مثبت برگشتند. این ها در کنار موانع و سختی ها، موقعیت های خوب را هم دیدند. این دو نفر یوشع و کالیب بودند که به خدا ایمان و اعتماد داشتند. خدای آن ها عظیم بود، در نتیجه مشکل آن ها کوچک به نظر می آمد.

به طور طبیعی، همیشه اکثریت، چیزهای منفی، ترس ها و مشکلات بزرگ را می بینند، زیرا نمی توانند با ایمان دوردست ها را ببینند.
مردم این جهان مانند 10 جاسوس هستند که از مشکلات و بحران ها، بیماری ها و مرگ می هراسند. اما همیشه اقلیت ایماندار هستند و علی رغم همه مبارزات و مشکلات، دست خدا را در موقعیت ها می بینند.
شما در کدامیک از این دو گروه هستید؟

آیا مایلید پرواز کنید؟

امروزه دید ما از خدا نشان دهنده ارزش ها و دیدگاه ما نسبت به زندگی است که در پیش روی داریم و اینکه چگونه با بحران روبه رو می شویم.

به یاد آورید که وقتی پرواز می کنید، آنگاه زیبایی ها و هدف را می بینید. از ارتفاع و از اینکه دیگران درباره شما چه فکر می کنند، نترسید. در این راه پر ماجرا و هیجان انگیزی که با خداوند قدم می زنید، به او توکل کنید و بدانید که هرگز پشیمان نخواهید شد.

"دعا می کنم که از گنجهای جلال خود به شما ببخشد تا به وسیله روح او در درون خود قوی و نیرومند شوید، و خدا عطا فرماید که مسیح از راه ایمان شما در قلبهایتان ساکن شود و دعا می کنم که شما در محبت ریشه دوانیده و برپایه محبت بنا شوید تا با همه مقدسین قدرت داشته باشید به پهنا و درازا و بلندی و عمق محبت مسیح پی ببرید و آن محبت را دریابید (اگرچه بالاتر از فهم بشر است) تا از پری کامل خدا کاملاً پر شوید."
افسیان 3: 16-19